

Predicting Social Adjustment of Primary School Children, Based on Marital Conflicts and Mothers' Cognitive Emotion Regulation Skills

Mahshad Balali Dehkordi*
Hossein Pourshahriar**
Zahra Jahanbakhshi***

Introduction

In the present age, each person experiences a variety of individual and social limitations in his life, and dealing with these obstacles provides the ground for the occurrence of many failures and frustrations; This problem is more pronounced in children, because in childhood, more communication with peers and less dependence on parents, this period is referred to as a stressful period. Accordingly, if a person can go through the process of socialization properly and align his needs with the needs of the society in which he lives, he will somehow reach social adequacy. in today's world more than ever require social flexibility and adaptation, which play an important role in improving the health of people's lives. the present study was conducted to predict the social adjustment of primary school children based on marital conflicts and the cognitive emotion regulation skills of mothers.

Method

The method of this study was descriptive-correlational. The statistical population included mothers who had primary school children in the fall of 2021 in Shahrekord; a sample of 377 of them was selected by available methods. Data were collected using questionnaires of the California Scale of

* M.A. in Family Counselling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

** Assistant Professor, Department of Applied Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. *Corresponding Author.* h_pourshahriar@sbu.ac.ir

*** Assistant Professor of Counselling, Faculty of Education Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Social Adjustment (1953), Sanaei Marital Conflicts (2000), and Garnfsky Cognitive Emotion Regulation (2006) and analyzed by multiple regression and Pearson correlation coefficient.

Results

Findings showed a negative and significant relationship between marital conflict and negative emotion regulation skills ($P < 0.01$) and a positive and significant relationship between positive emotion regulation skills and social adjustment of primary school children ($P < 0.01$).

Discussion

The findings generally indicate that the existence of marital conflicts between parents and difficulties in the cognitive regulation of emotions can cause social maladaptation in children in primary school.

Keywords: Children, Cognitive, Emotion Regulation Skills, Marital conflicts, Social Adjustment,

Author Contributions: In the present study, the second author, as a supervisor, has supervised and strategized the overall research process and compiled and finalized the corrections of the article. In compiling the research plan, the first author is responsible for the process of collecting, analyzing, and interpreting the findings and writing the text of the article. The title of thesis advisor was done.

Acknowledgments: The present study would not have been possible without the cooperation of the participants; We would like to thank all the participants.

Conflicts of interest: The authors acknowledge that there is no conflict of interest in this article.

Funding: The present study has not received financial support from any institution or institution and all costs during the research process have been borne by researchers

پیش‌بینی سازگاری اجتماعی کودکان دبستانی بر اساس تعارضات
زناشویی و مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان مادران

مهشاد بلالی دهکردی*

حسین پورشهریار**

زهرا جهانبخشی***

چکیده

هدف این پژوهش، پیش‌بینی سازگاری اجتماعی کودکان دبستانی براساس تعارضات زناشویی و مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان مادران بود. روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل مادرانی بود که در پاییز ۱۴۰۰ در شهر شهرکرد، کودکان دبستانی داشتند؛ که ۳۷۷ نفر از آنها به روش در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های آزمون شخصیت کالیفرنیا، تعارضات زناشویی ثنائی و تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و کرایج جمع‌آوری و با روش رگرسیون چندگانه و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها رابطه منفی و معنی‌داری بین تعارضات زناشویی و مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان منفی ($P < 0/01$) و رابطه مثبت و معنی‌داری بین مهارت‌های تنظیم هیجان مثبت با سازگاری اجتماعی کودکان دبستانی ($P < 0/01$) را نشان دادند. به طوری که بین ابعاد کاهش همکاری، افزایش واکنش هیجانی، کاهش رابطه با خانواده همسر با سازگاری اجتماعی و بین ابعاد نشخوار فکری و ملامت دیگران با سازگاری اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار وجود داشت. همچنین بین پذیرش و تمرکز مجدد مثبت با سازگاری اجتماعی کودکان رابطه مثبت و معنی‌دار به دست آمد. به طور کلی، تعارضات زناشویی بین والدین و دشواری در تنظیم شناختی هیجان‌های می‌تواند باعث عدم سازگاری اجتماعی کودکان در مقطع دبستان شود.

واژگان کلیدی: تعارضات زناشویی، سازگاری اجتماعی کودکان، مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان

* کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

** استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

h_pourshahriar@sbu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

در عصر حاضر، هر فردی در زندگی خویش انواع محدودیت‌های فردی و اجتماعی را تجربه می‌کند که برخورد با این موانع، زمینه را برای بروز ناکامی‌ها، ناامیدی‌ها و مشکلات متعددی فراهم می‌کند؛ این مسأله در کودکان نمود بیشتری می‌یابد، به علت این‌که در دوران کودکی و نوجوانی ارتباط با همسالان بیشتر و وابستگی به والدین کمتر می‌شود، از این دوره به عنوان دوره پرتنش یاد می‌شود. بر این اساس، چنانچه فردی بتواند جریان اجتماعی شدن را در طول فرایند رشد به درستی طی نموده و نیازهای خود را با نیازهای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند همسو نماید، به نوعی به کفایت و سازگاری اجتماعی رسیده زندگی در دنیای امروز بیشتر از هر زمان دیگری، نیازمند انعطاف و سازگاری فردی و اجتماعی است که نقش بسزایی در بهبود و سلامت زندگی افراد دارد. سازگاری کمک زیادی به برآورده شدن نیازهای محیطی می‌کند و در زمینه‌های مختلف معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. سازگاری شیوه مسالمت‌آمیز و بهنجار کنار آمدن با محیط است (Lewis et al., 2017). سازگاری رابطه‌ای است که ارگانیزم نسبت به وضع موجود با محیط خود برقرار می‌کند. البته این اصطلاح با مفهوم منفی نیز بکار برده می‌شود آن زمانی است که با اصطلاح هم‌نواپی انطباق پیدا کرده و به معنی کوتاه آمدن و تسلیم شدن در مقابله سلیقه‌های دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تعریف دیگری از سازگاری، آن را حالت تعادل کامل بین ارگانیزم و محیط تعریف می‌کنند که در این حالت تمام نیازها برآورده شده و اعمال ارگانیزمی به راحتی صورت می‌پذیرد (Abdul Tajdini, 2017). از آنجایی‌که کودکان سرمایه‌ها و آینده‌سازان جامعه هستند لذا شناسایی عواملی که می‌تواند بر سازگاری اجتماعی آن‌ها تأثیر گذارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در رشد سازگاری اجتماعی کودکان مجموعه‌ای از عوامل خانوادگی، شخصیتی، روانی و اجتماعی، شیوه‌های تربیتی، ارزش‌ها و اعتقادات حاکم بر فرد و جامعه دخالت دارند؛ در این میان عوامل خانوادگی یکی از مهم‌ترین فاکتورها در زمینه رشد سازگاری اجتماعی است (Safri & Vajpeyi, 2016; Farokhi & Mostafapour, 2016).

از لحاظ نظری می‌توان بیان کرد که افراد دارای سازگاری اجتماعی بالا کمتر تحت تأثیر آسیب‌های روانی مانند افسردگی یا اضطراب قرار می‌گیرند و چالش‌های کمتری را با والدین و همسالان خود تجربه می‌کنند (Hezarian et al., 2020). اولین روابط مهم او با همسالان و بزرگترها در مدرسه اتفاق می‌افتد. کودکی که به سن مدرسه می‌رسد مایل است زمانی را با همسالان خود

بگذرانند. زیرا رابطه کودک با همسالانش با بزرگترها متفاوت است. در حالی که فرآیندهایی مانند اطاعت، سازگاری و اجتناب از تنبیه در روابط کودک و بزرگسال رایج است، روابط همکاری، وضع قوانین متقابل و رعایت آنها در تعامل با همسالان وجود دارد. کودک در طول روابط با همسالان خود مهارت‌های همدلی را توسعه می‌دهد (Brodski & Hembrough, 2007). از دوران پیش‌دبستانی کودک باید مهارت‌ها و رفتارهای اساسی را کسب کند. این تجربیات در مراحل اولیه زندگی نقش مهمی در نحوه کنار آمدن کودک با مردم، نوع رابطه او و واکنش او در تجربیات اجتماعی در زندگی آینده خود دارد (Campbell & Siperstein, 1994). بیشترین درصد فراوانی دانش‌آموزان با سازگاری عاطفی خوب مربوط به فرزندان والدینی است که از سازش‌یافتگی بالایی برخوردار بودند. همچنین بیشترین درصد فراوانی، دانش‌آموزان با سازگاری اجتماعی متوسط، مربوط به والدین با سازگاری بالا بود؛ و کمترین درصد فراوانی دانش‌آموزان با سازگاری اجتماعی خیلی ضعیف مربوط به فرزندان والدینی بود که سازگاری بالا داشتند. درمان آدلری با تأکید و توجه به نقش محیط خانواده بر رفتار ناسازگارانه فرزندان، شکل‌گیری اختلال رفتاری در خانواده، بر بهبود تعاملات فرزندان و والدین درون بافت خانواده تأکید دارد و معتقد است که تغییر در شیوه والدگری منجر به کاهش مشکلات رفتاری، ساماندهی مشکلات کارکرد اجرایی و بهبود تنظیم هیجان، علاقه اجتماعی و رفتار اجتماعی می‌شود (Christian et al., 2017).

عوامل متعددی در سازگاری اجتماعی کودکان نقش دارند. در بین این عوامل، تعارضات زناشویی از عوامل تأثیرگذار در رفتارهای سازگارانه کودکان است. شکل‌گیری ساختار شخصیت و برآورده شدن نیازهای افراد در خانواده پی‌ریزی می‌شود. سازگاری فرزندان نیز مسئله‌ای است که از این قاعده مستثنی نیست و اگر در این راستا مانعی مانند تعارضات زناشویی وجود داشته باشد بسیار دشوار است که فرزندان بتوانند با وجود تعارضاتی که در خانواده وجود دارد، با محیط پیرامون خود سازگاری داشته باشند. اختلاف رابطه والدین، مثل سطوح بالای تعارض، ناراحتی یا بی‌احترامی‌ها، بر کودک و فرزندان در خانواده تأثیرات منفی از جمله تأثیر بر اختلال روانی یا اختلالات جسمانی کودک می‌گذارد (American Psychiatric Association, 2013). تعارضات زناشویی مشکلات فراوانی برای اعضای خانواده خصوصاً کودکان بوجود می‌آورد، مواردی همانند درک ناکافی، انتظارات غیرواقعی از یکدیگر، مشکلات اخلاقی و مسائل روان‌شناختی را می‌توان از پیامدهای تعارضات زناشویی برای اعضای خانواده عنوان کرد (Chan et al., 2018). نقش

تعارضات زناشویی و درگیری‌های بین والدین با سازگاری اجتماعی کودکان (Hosokawa & Katsura, 2019; Pappa, 2013; Davies & Cummings, 1994)، از جمله عواملی بود که از توجه پژوهشگران دور نماند.

وجود تعارضات زناشویی بین زوجین، در ابتدا شیوه فرزندپروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سپس مشکلات و اختلالات رفتاری را در کودکان به وجود می‌آورد. علاوه بر این تعارضات زناشویی امنیت عاطفی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مشکلاتی را در سازگاری کودکان ایجاد می‌کند و رابطه مثبت پدر و مادر باعث سلامت روان و سازگاری کودک می‌شود. هر چه سطح درگیری‌های بین والدین بالاتر باشد، رفتارهای درونی بیشتری توسط کودکان بروز می‌کند. البته در تأثیر تعارضات بر کودکان، جنسیت بی‌تأثیر نیست؛ تعارضات زناشویی مشترک با سطوح کمتری از مشکلات بیرونی در دختران همراه است. در مشکلات رفتاری کودکان نیز تفاوت‌هایی در رابطه با جنسیت وجود دارد (Camisasca et al., 2019). تعارضات بین والدینی مشکلات برون‌سازی کودکان را پیش‌بینی می‌کند. تعارضات کمتر خانوادگی، پرخاشگری کلامی پایین، کناره‌گیری کمتر مادر، مشکلات بیرونی کمتر کودکان را پیش‌بینی می‌کند (Zemp et al., 2018). همچنین با تأثیر بر سیستم اعصاب مرکزی و پیرامونی عملکرد جسمانی (نظیر بی‌نظمی سینوس‌ها و واکنش پوستی) را مختل می‌کند (Philbrook et al., 2018). آموزش گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد (Narimani & Hobbi, 2019)، واقعیت‌درمانی مبتنی بر نظریه انتخاب (Mirzania et al., 2018) و آموزش مهارت‌های مدیریت خشم (Bashkar et al., 2012) و طرحواره‌درمانی (Arianfar & Arianfar, 2017) از جمله درمان‌های مؤثر بر کاهش تعارضات زناشویی و مؤلفه‌های آن هستند.

یکی از متغیرهای مهمی که در رابطه با سازگاری اجتماعی و روابط درون خانواده می‌تواند تأثیرگذار باشد، راهبرد تنظیم هیجان است. تنظیم هیجان بر بکارگماشتن افکار و رفتارهایی دلالت دارد که در هیجان‌های آدمی تأثیر می‌گذارد. هنگامی که انسان‌ها تنظیم هیجان را بکار می‌گیرند، چگونگی تجارب و تظاهر هیجان‌های خود را هم تحت اختیار می‌گیرند (Akbari et al., 2022). راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، فرایندهای شناختی هستند که افراد برای مدیریت هیجان‌هایی که در برخورد با مسائل برانگیخته می‌شوند به کار می‌گیرند و بر جنبه شناختی مقابله تأکید دارند (Gross, 1998). پژوهش‌ها بر نقش مهارت‌های هیجانی در سازگاری تأکید داشته‌اند (Karimifar et al., 2017). مهارت تنظیم شناختی هیجان مؤثرترین عامل فردی در سلامت روان به شمار می‌آید

(Gamefski & Kraaij, 2006). واکنش والدین به احساسات منفی کودکان به واسطه تنظیم هیجان بر اضطراب کودکان تأثیر می‌گذارد. والدینی که مهارت تنظیم هیجان بهتری دارند فرزندان با مشکلات کمتری را پرورش می‌دهند و فرزندان مشکلات درون‌سازی شده کمتری دارند (Zimmer-Gemback et al., 2021). همچنین واکنش والدین، اضطراب و تنظیم هیجان را پیش‌بینی می‌کند و تنظیم هیجان نیز اضطراب کودکان را پیش‌بینی می‌کند (Roitvandghiasvand et al., 2020). کودکانی که والدین آن‌ها دارای تنظیم شناختی هیجان و خودکنترلی بالاتری بودند، اضطراب کمتری داشتند (Qolipour, & Sadeghi, 2022). بین سبک ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان مادران با واکنش‌های غیرحمایت‌گرایانه آن‌ها به هیجان‌ات منفی کودکان رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین سبک سازگارانه تنظیم شناختی هیجان مادران با واکنش‌های حمایت‌گرایانه آن‌ها به هیجان‌های منفی کودکان رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. سبک تنظیم شناختی هیجان مادران، می‌تواند میزانی از واکنش آن‌ها به هیجان‌های منفی کودکانشان را پیش‌بینی کند. این یافته می‌تواند در مداخلات مربوط به بهبود شیوه‌های والدگری مدنظر قرار گیرد (Amani et al., 2019; Kosari & Esmaeilinasab, 2018). از آنجایی که پژوهش‌های زیادی بر اهمیت رابطه مادر و فرزند در سنین کودکی تأکید کرده‌اند، لذا هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا تعارضات زناشویی و مهارت تنظیم شناختی هیجان مادران، سازگاری اجتماعی کودکان دبستانی را پیش‌بینی می‌کند؟

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و به‌طور دقیق‌تر رگرسیون چندگانه می‌باشد. از حیث هدف نیز جزء تحقیقات کاربردی می‌باشد. جامعه آماری شامل تمامی کودکان دبستانی شهر شهرکرد در پاییز سال ۱۴۰۰ بود. برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان (Krejcie and Morgan (1970) استفاده شد که در آن برای تعداد جامعه ۱۰۰۰۰۰ نفر و بیشتر، حجم مناسب برای نمونه ۳۸۴ نفر می‌باشد که با روش نمونه‌گیری در دسترس و با احتمال ریزش اتخاذ شدند. با توجه به ملاک ورود به پژوهش (مادران دارای کودک دبستانی) افرادی که شرایط حضور در نمونه را داشتند و خود نیز مایل به همکاری بودند با اهداف پژوهش آشنا شدند و توضیحات یکسانی درباره نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها ارائه شد. شرکت‌کننده‌ها به صورت فردی پرسشنامه‌ها را

تکمیل کردند. در پژوهش حاضر ملاحظات اخلاقی شامل اخذ رضایت‌آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه تعارضات زناشویی (Marital Conflict Questionnaire): پرسشنامه تعارضات زناشویی یک ابزار ۴۲ سؤالی است که توسط Barati and Sanai (2004) به منظور سنجش تعارضات بین زوجین ساخته شده است که براساس یک طیف پاسخ‌دهی لیکرت پنج درجه‌ای می‌باشد. بیشترین نمره پرسشنامه ۲۱۰ و کمترین نمره آن ۴۲ می‌باشد. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است (Barati & Sanai, 2004). همچنین این ابزار هفت بُعد از تعارضات زناشویی شامل کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود و جدا کردن امور مالی از یکدیگر، را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهد. در پژوهش Khazaei (2007) نمره‌های تمامی مؤلفه‌های پرسشنامه تعارضات زناشویی از ۰/۳۱ تا ۰/۸۲ با نمره کل تعارضات زناشویی در سطح ۰/۰۱ همبستگی معنی‌داری داشتند. (Ghobadi and Goodarzi (2022) در پژوهش خود پایایی را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۸ گزارش نمودند.

پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (Cognitive Emotion Regulation Questionnaire): پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان توسط Garnefski and Kraaij (2006) تدوین شده است. این پرسشنامه چند بُعدی و یک ابزار خودگزارشی است که دارای ۱۸ ماده است. مقیاس تنظیم شناختی هیجان دو عامل تنظیم هیجان مثبت و منفی را در قالب نه راهبرد (ملامت خویش، پذیرش، نشخوارگری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه‌گیری، فاجعه‌انگاری و ملامت دیگران) ارزیابی می‌کند. راهبردهای ملامت خویش، نشخوارگری، فاجعه‌انگاری و ملامت دیگران تشکیل‌دهنده راهبردهای تنظیم شناختی هیجان منفی می‌باشد و راهبردهای پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و دیدگاه‌گیری نیز تشکیل‌دهنده راهبردهای تنظیم شناختی هیجان مثبت هستند (Hasani, 2010). روایی ملاکی پرسشنامه از طریق روایی همزمان (اجرای همزمان با سیاهه افسردگی بک) مورد

بررسی قرار گرفته و روابط درونی خوبی بین خرده‌مقیاس‌ها دیده شد (Hasani, 2010). (2006) Gamefski and Kraaij پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۷ گزارش کردند. (2012) Besharat نیز پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۹ گزارش نموده است.

پرسشنامه شخصیت کالیفرنیا (خرده‌مقیاس سازگاری اجتماعی) (California Test)

(Personal): پرسشنامه سازگاری اجتماعی کالیفرنیا توسط Clark et al. (1939) طراحی و در سال ۱۹۵۳ مورد تجدیدنظر و بازنگری قرار گرفت. این ابزار به منظور سنجش سازش‌های مختلف زندگی که دارای دو قطب سازش شخصی و اجتماعی است، ساخته شد. این ابزار در مجموع شامل ۱۸۰ سؤال و ۱۲ خرده‌مقیاس است که نیمی از آن برای سنجش سازش فردی و نیمی دیگر برای سازگاری اجتماعی است که به صورت بلی و خیر پاسخ داده می‌شود. به پاسخ‌های بلی ۱ امتیاز تعلق می‌گیرد و برای پاسخ‌های خیر امتیازی در نظر گرفته نمی‌شود (Mohammadi et al., 2020). در این پژوهش فقط از خرده‌مقیاس سازگاری اجتماعی استفاده شده است. این مقیاس شش مؤلفه قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، علایق ضد اجتماعی، روابط خانوادگی، روابط در مدرسه، و روابط اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد و از مجموع سؤالات یک نمره به‌عنوان سازگاری اجتماعی به دست می‌آید. اعتبار ملاکی و روایی این ابزار در پژوهش‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است (Mirzaie Varzaneh et al., 2021). (Schaffe (1939) ضرایب اعتبار آزمون را با استفاده از فرم تصحیح شده اسپیرمن-براون برای خرده‌مقیاس سازگاری اجتماعی ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ به دست آورد (cited in Sobhaninejad & Zeraati, 2016). (Mami and Amirian (2017) پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۷ گزارش کردند.

یافته‌ها

در گروه نمونه تعداد ۱۵ نفر (۴ درصد) در گروه سنی تا ۲۵ سال بودند، تعداد ۵۵ نفر (۱۴/۶ درصد) در گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال بودند، تعداد ۹۹ نفر (۲۶/۲ درصد) در گروه ۳۱ تا ۳۵ سال، تعداد ۱۰۸ نفر (۲۸/۶ درصد) در گروه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال و تعداد ۷۶ نفر (۲۰/۱ درصد) در گروه سنی ۴۱ سال و بالاتر بودند. همچنین تعداد ۱۰۷ نفر (۲۸/۴ درصد) تحصیلاتشان تا دیپلم بود، تعداد ۱۵۳ نفر (۴۰/۶ درصد) فوق دیپلم و لیسانس بودند و تعداد ۱۰۳ نفر (۲۷/۳ درصد) دارای

تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بودند. شاخص‌های کجی و کشیدگی که نشان‌دهنده پراکندگی داده‌ها می‌باشد در دامنه (۲- تا ۲) می‌باشد که بیانگر نرمال بودن داده‌ها می‌باشد.

Table 1.

Minimum and maximum scores, mean and standard deviation of research variables

Variables	Min	Max	Mean	SD
Social adjustment	42	86	68.22	5.67
Reduce cooperation	5	23	12.09	3.56
Decreased sex	5	22	11.50	2.85
Increased emotional reactions	9	28	17.42	3.93
Marital conflicts	5	17	10.13	2.59
Increase child support	7	26	14.98	2.64
Decreased family relationship with spouse's relatives	6	19	10.25	4.02
Separate finances	7	26	15.26	3.65
Total score	51	138	91.66	15.21
Cognitive emotion regulation skills	21	39	31.84	3.40
Cognitive regulation of negative emotion	27	50	41.08	4.56
Cognitive regulation of positive emotion				

پس از بررسی شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش، جهت پیش‌بینی متغیر ملاک از متغیرهای پیش‌بین از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری با رویکرد سلسله‌مراتبی استفاده شد. بدین صورت که تعارضات زناشویی در مرحله اول، ابعاد متغیر تنظیم هیجان منفی در مرحله دوم و ابعاد متغیر تنظیم هیجان مثبت در مرحله سوم به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد تحلیل شدند. قبل از بررسی روابط چندگانه با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه رابطه خطی بین متغیرهای پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد. قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش مفروضه‌های این تحلیل آماری (نرمال بودن، کافی بودن حجم نمونه و هم خطی چندگانه) بررسی شدند.

Table 2.

Multiple correlations between marital conflicts and mothers' emotion regulation skills with children's social adjustment in a step-by-step manner

Variables	R	R ²	F	df ₁	df ₂	p
1	0.229 ^a	0.052	20.70	1	375	0.001
2	0.277 ^b	0.077	15.57	2	374	0.001
3	0.341 ^c	0.116	16.31	3	373	0.001

a: Marital conflicts

b: Marital conflicts, Negative cognitive regulation

c: Marital conflicts, Negative cognitive regulation, Positive cognitive regulation

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بین تعارضات زناشویی و مهارت‌های تنظیم هیجان

مادران با سازگاری اجتماعی کودکان به شیوه گام به گام رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد (۰/۰۱) $p <$ مجذور R که نشان‌دهنده همپوشانی واریانس‌هاست نشان می‌دهد که در گام اول حدود ۵ درصد، در گام دوم ۷ درصد و در گام سوم ۱۱ درصد از نمره‌های تعارضات زناشویی و مهارت‌های تنظیم هیجان مادران با سازگاری اجتماعی کودکان همپوشانی داشته‌اند و تغییرات سازگاری اجتماعی کودکان از آن‌ها ناشی می‌شود.

Table 3.

Stepwise regression coefficients for predicting social adjustment through marital conflict and cognitive emotion regulation

Variables	B	S.E	Beta	T	P
Constant	76.04	1.74	-	43.65	0.0001
Step 1					
Marital conflicts	-0.09	0.02	-0.23	-4.55	0.0001
F= 5.91 (P<0.01) R ² = 0.101					
Step 2					
Constant	84.09	3.07	-	27.32	0.0001
Marital conflicts	-0.08	0.02	-0.22	-4.43	0.0001
Negative cognitive regulation	-0.26	0.08	-0.16	-3.15	0.002
F= 4.89 (P<0.01) R ² = 0.107					
Step 3					
Constant	77.02	3.48	-	22.12	0.0001
Marital conflicts	-0.09	0.02	-0.23	-4.70	0.0001
Negative cognitive regulation	-0.36	0.09	-0.22	-4.27	0.0001
Positive cognitive regulation	0.26	0.06	0.21	4.06	0.0001
F= 4.89 (P<0.01) R ² = 0.107					

همان‌طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، از بین تعارضات زناشویی و مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان در سه گام، تعارضات زناشویی (۰/۰۱ $p <$ و ۴/۷۰ $t =$) و تنظیم شناختی هیجان منفی (۰/۰۱ $p <$ و ۴/۲۷ $t =$) در جهت منفی، پیش‌بینی‌کننده سازگاری اجتماعی بوده‌اند. همچنین مهارت تنظیم شناختی هیجان مثبت (۰/۰۱ $p <$ و ۴/۰۶ $t =$) در جهت مثبت، پیش‌بینی‌کننده سازگاری اجتماعی بود. ضرایب بتا غیراستاندارد نشان داده که با افزایش یک واحد نمره برحسب انحراف معیار به تعارضات زناشویی در گام‌های اول، دوم و سوم، به ترتیب به میزان ۰/۰۹، ۰/۰۸ و ۰/۰۹ واحد نمره از متغیر سازگاری اجتماعی کاسته می‌شود. در گام دوم و سوم با اضافه‌شده یک واحد نمره بر حسب انحراف معیار به مهارت تنظیم شناختی هیجان منفی به ترتیب به میزان ۰/۲۶ و ۰/۳۶

واحد نمره از متغیر سازگاری اجتماعی کاسته می‌شود. همچنین در گام سوم با اضافه شدن یک واحد نمره بر حسب انحراف معیار به مهارت تنظیم شناختی هیجان مثبت به میزان ۰/۲۶ واحد نمره به متغیر سازگاری اجتماعی افزوده می‌شود. علاوه بر آن، در جدول فوق مشخص گردید که قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مهارت تنظیم شناختی هیجان منفی برای پیش‌بینی‌کنندگی سازگاری اجتماعی بیشتر از دو متغیر دیگر است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سازگاری اجتماعی کودکان دبستانی بر اساس تعارضات زناشویی و مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان مادران انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد تعارضات زناشویی و تنظیم شناختی هیجان منفی به صورت منفی و تنظیم شناختی هیجان مثبت به صورت مثبت در سطح معنی‌داری ($P < 0/05$) قادر به پیش‌بینی سازگاری اجتماعی فرزندان بودند. نتایج این پژوهش با پژوهش (Kosari and Esmaeilinasab, 2018) و (Zimmer- (2021) Gemback et al. و (Amani et al., 2019) همسو می‌باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده می‌توان گفت پژوهش‌ها به صورت گسترده از تأثیر والدین بر سازگاری اجتماعی فرزندان حمایت می‌کنند. اولین و مهم‌ترین محیطی که یک کودک به آن وارد می‌شود محیط خانوادگی است و پدر و مادر اولین سرمشق‌های کودک در یادگیری تمامی رفتارها از جمله تعامل با محیط پیرامون است (Frotan, 2020). لذا والدینی که قادر نیستند به صورت سازنده هیجان‌های خود را تنظیم نمایند، به صورت تکانشی رفتار می‌کنند، به ملامت دیگران می‌پردازند و الگوهایی از بی‌ثباتی هیجانی را نشان می‌دهند، چنین رفتارهایی را نیز به فرزند خود می‌آموزند. در نتیجه، فرزند آنان در برخورد با موقعیت‌های اجتماعی از خزانه رفتاری مناسب و غنی برخوردار نیست و بر اساس آنچه یاد گرفته است نمی‌تواند در برابر اقتضای محیطی تکانه‌ها و خواسته‌های خود را به تأخیر بیندازد و در مقابل خطاهای خود دیگران را مقصر می‌داند (Barkley, 2005; Ayoublo & Arvin, 2021). بر این اساس می‌توان گفت چنین کودکانی در برخورد با موقعیت‌های اجتماعی از جمله تعامل با والدین، همسالان و معلمان دچار مشکل می‌شوند که از چند طریق می‌تواند ناسازگاری کودکان را تشدید نماید. ناسازگاری و مشکل در تعامل با والدینی که خود در تنظیم هیجان با مشکل مواجه هستند و در مشکلات ایجادشده دیگران را مقصر می‌دانند سبب می‌شود که حمایت عاطفی لازم در برابر

شکست‌ها از فرزند خود به عمل نیاورده و از تنبیه، طرد و سرزنش استفاده نمایند که می‌تواند ضمن الگو بودن، احساس حقارت و طرد را در فرزند تقویت نماید و بسیاری از مشکلات سازگاری و رفتاری از قبیل خشم، قلدری و پرخاشگری را در آن‌ها تقویت نماید و منجر به نوعی احساس نفرت نسبت به والدین در کودکان شود. از طرف دیگر مشکلات سازگاری با معلمان و همسالان سبب طرد و تحقیر کودک توسط این افراد شود. از آنجایی که معلمان به این آگاهی می‌رسند که صحبت با والدین نمی‌تواند راهگشای مشکل باشد از تنبیه، طرد و نادیده گرفتن استفاده می‌کنند که نتیجه آن ناسازگاری بیشتر در کودک است.

در مقابل، والدینی که از راهبردهای تنظیم هیجان سازگارانه استفاده می‌کنند الگوی مناسبی از تعامل در محیط‌های اجتماعی را در اختیار کودک قرار می‌دهند که کودک با سرمشق قرار دادن آن‌ها می‌تواند به صورت مناسب رفتار نماید (Dadfarnia et al., 2020). از طرف دیگر، والدینی که بر هیجانات خود مسلط هستند و آن‌ها را به خوبی مدیریت می‌کنند، در برخورد با اشتباهات رفتاری کودک کمتر به صورت تکانشی رفتار کرده، از طرد و تحقیر می‌پرهیزند و با تمرکز مجدد بر حل مسأله به وجود آمده به دنبال ارائه راه‌حل خواهند بود. در نتیجه می‌توانند در آرامش و ضمن همدردی با کودک خود، مهارت‌های اجتماعی را به وی آموزش دهند و ناپختگی اجتماعی وی را به عنوان شرایطی مختص دوران کودکی و نه چیزی ذاتی و غیرقابل تغییر در نظر گرفته و به آموزش کودک می‌پردازند (Gowdini et al., 2017). در نتیجه در سایه این آموزش کودک می‌تواند مهارت‌های اجتماعی را بیاموزد و به سازگاری اجتماعی دست یابد.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین تعارضات زناشویی و سازگاری اجتماعی کودکان رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد که با پژوهش (Zeraatkar et al. (2022) Van Dijk et al. (2020) Norouzi and Majreh (2018) و Nemati Vanashi and Nemati Vanashi (2018) همسو بود. در مورد تبیین این نتیجه می‌توان چند دلیل مطرح نمود؛ به‌عنوان اولین دلیل می‌توان از تأثیر تعارضات زناشویی بر کودکان سخن گفت. تعارضات زناشویی می‌تواند به‌عنوان یک عامل استرس‌زا بر کودکان اثر بگذارد و مطالعات طولی پیش‌بینی‌کننده میزان بالای ناسازگاری کودکان است که بیشترین نمود این ناسازگاری ۱ تا ۳ سال بعد از تعارضات خود را نشان می‌دهد (Cummings & Eskandari Sabzi & Reisi, 2016; Davies, 2002). تعارضات زناشویی مشکلی در سراسر جهان است که کودکان را متأثر می‌سازد و همگان بر این باور هستند که یک منبع استرس اساسی برای

کودکان است. لذا کودکانی که به‌صورت مستمر در معرض استرس ناشی از مشاجرات بین والدین خود هستند نمی‌توانند فرصت و انرژی روانی کافی برای پرورش مهارت‌های مورد نیاز برای سازگاری اجتماعی را داشته باشند (Eskandari Sabzi & Reisi, Cummings & Davies, 2002). از طرف دیگر، طبق پژوهش‌های صورت گرفته روی خود کودکان، مشاهده تعارضات و مشاجرات بین والدین ضمن وارد کردن استرس، تنش و فشار مضاعف، سبب یادگیری اجتماعی شده و کودکان این‌گونه پرخاشگری، فحاشی و ضرب و شتم صورت گرفته توسط والدین را با سایر کودکان و اطرافیان انجام می‌دهند (Sarukhani & Ghasemi 2013; Ebrahimi et al., 2021). از طرف دیگر والدین متعارض، به دلیل وجود مشکلات متعددی که در رابطه با همسر خود دارند، تحت فشار بوده و وجود جوی متشنج و غیرصمیمانه در کنار ناتوانی در برقراری ارتباط با یکدیگر، منجر به تیره شدن روابط با فرزندان شده و کتک، تحقیر یا طرد فرزندان را به دنبال دارد. نتیجه چنین شرایطی نمی‌تواند پرورش فرزندان با سازگاری اجتماعی باشد. همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین نشخوار فکری و ملامت دیگران با سازگاری اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار و بین پذیرش و تمرکز مجدد مثبت با سازگاری اجتماعی کودکان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد که با نتایج پژوهش Christian et al. (2017) و Shih et al. (2018) همسو می‌باشد. با این حال بین ملامت خود، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه‌گیری و فاجعه‌انگاری با سازگاری اجتماعی رابطه معنی‌دار به دست نیامد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد عامل پذیرش و تمرکز مجدد مثبت در جهت مثبت و عامل نشخوار فکری و ملامت دیگران به صورت منفی و معنی‌داری قادر به پیش‌بینی سازگاری اجتماعی کودکان بودند. نشخوار فکری، مانع توجه، تمرکز و حل مشکل می‌شود و در عین حال منجر به افزایش موقت هیجان‌های منفی می‌شود. همچنین نشخوار فکری منجر به بروز احساس عصبانیت و در نهایت منجر به افکار کینه‌جویانه یا باعث تحریک کینه‌جویی می‌شود (Zarezadeh Mehrizi, 2014). والدینی که به‌صورت مکرر نشخوار فکری دارند و به صورت عصبانی برخورد می‌کنند، می‌توانند چنین رفتارهایی را در کودک خود نیز به وجود آورند و این کودکان نیز به‌صورت مکرر در مورد اتفاقات ناخوشایند بیندیشند که نتیجه آن بروز رفتارهای منفی است (Wang & Sang, 2020). والدینی که در برخورد با اشتباهات فرزندان، آن‌ها را می‌پذیرند و آن را بخشی از فرایند رشد کودک در نظر می‌گیرند می‌توانند تعاملات سازنده‌تری با فرزند خود داشته باشند و در نتیجه مهارت‌های

اجتماعی را به صورت بهتر و با حوصله بیشتر به وی می‌آموزند. ضمن آن‌که کودک با الگو قرار دادن والدین یاد می‌گیرد رویدادهای اجتماعی تلخ یا شکست‌های خود را بپذیرد و از آن‌ها به‌عنوانی تجاربی در جهت رشد مهارت‌های اجتماعی استفاده نماید. توجه مجدد مثبت می‌تواند مکمل پذیرش باشد و فرد ضمن کنار آمدن با رویدادهای تلخ، بر رویدادهای مثبت تمرکز نماید. والدینی که در تعامل با کودک ضمن پذیرش اشتباهات و شکست‌های وی، جنبه‌های مثبت وی را نیز به یاد می‌آورند و بر آن‌ها تأکید می‌کنند ضمن تقویت عزت‌نفس در کودک خود، منابعی را که کودک می‌تواند با استفاده از آن تعاملات سازنده و مثبتی با دیگران داشته باشد را نیز یادآوری کرده و نحوه استفاده از این منابع را به کودک خود می‌آموزند.

به‌طورکلی، نتایج نشان داد میزان بالایی تعارضات زناشویی و عدم مهارت‌های لازم برای تنظیم شناختی هیجان به‌صورت سازگارانه، سازگاری اجتماعی کودکان دبستانی را در سطح پایینی پیش‌بینی می‌کند؛ عملکرد اجتماعی و برقراری رابطه اجتماعی با همسالان و سایرین را دچار مشکل می‌کند. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به ابزار مورد استفاده در این پژوهش اشاره کرد که پرسشنامه خودسنجی بوده است. همانند تحقیقات مشابه، این تحقیق شامل محدودیت‌های حاصل از پرسشنامه‌های خودسنجی می‌باشد. همچنین به علت شیوع ویروس کرونا و عدم وجود زیرساخت‌های لازم، دسترسی به افراد جامعه با مشکلاتی مواجه شد. طبق نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاوه بر پرسشنامه از روش‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات (مشاهده و مصاحبه) به عنوان گردآوری اطلاعات تکمیلی استفاده نمایند. با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر ارتباط تعارضات زناشویی و مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان مادران با سازگاری اجتماعی کودکان پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان اجرا و در این زمینه به والدین اطلاعاتی داده شده و با بهبود این مهارت‌ها شرایط بهبود سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان فراهم گردد.

سهم مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر نویسنده دوم، به عنوان استاد راهنما، نظارت و راهبردی روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. نویسنده اول تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را برعهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی نویسنده سوم، به عنوان استاد مشاور پایان‌نامه، انجام شد.

تشکر و قدردانی: پژوهش حاضر بدون همکاری مشارکت‌کنندگان امکان‌پذیر نبود؛ بدینوسیله از کلیه مشارکت‌کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: پژوهش حاضر از هیچ مؤسسه و نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و کلیه هزینه‌ها در طول فرآیند اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است.

References

- Abdul Tajdini, Sh. (2017). *The effectiveness of preschool education on learning social adjustment skills of elementary school students*. 3rd Community Empowerment Conference in the Field of Humanities and Management Studies, Center for Empowerment of Cultural and Social Skills, Tehran. [Persian]
- Akhari, T., Javidnour, M., & Shabanian, A. H. (2022). Path analysis model of tendency to addiction based on a sense of coherence with the mediation of emotion regulation difficulties in male adolescents: A descriptive study. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, 20(11), 1209-1222. [Persian]
- Amani, Z., Zahraei, K., & Kiamanesh, A. (2019). The identification of the consequences of parents' divorce on children: A qualitative study. *The Women and Families Cultural-Educational*, 14(47), 59-81. [Persian]
- American Psychiatric Association (APA). (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders*. 5th Edition. Translated by Yahya Seyed Mohammadi. (2014). Tehran: Ravan Publishing. [Persian]
- Arianfar, N., & Arianfar, N. (2017). Structural Equation Modeling of the predicting marital conflict on the basis of initial maladaptive schemas of the cuts and rejection areas and the mediator variable of the lovemaking styles. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 8(29), 107-134. [Persian]
- Ayoublo, Z., & Arvin, S. (2021). The role of prejudice, resilience and behavioral activation / inhibition systems (BAS / BIS) in predicting impulsive behavior in fathers with a history of physical violence against children. *Rooyesh-e-Ravanshenasi*, 9(11), 111-120.
- Barati, T., & Sanai, B. (2004). *Scales measuring family and marriage*. Tehran: Publication Beast. [Persian]
- Barkley, R. A. (2005). *Attention-deficit hyperactivity disorder: A handbook for diagnosis and treatment* (3rd ed). New York: Guilford press.
- Bashkar, S., Sodani, M., & Shehni Yailagh, M. (2012). The effect of anger management skills training on reduction of marital conflicts. *Journal of Psychological Achievements*, 19(1), 199-226. [Persian]
- Besharat, N. A. (2012). *Psychometric properties of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire in a sample of Iranian population*. Unpublished research report, University of Tehran, Tehran, Iran. [Persian]
- Brodeski, J., & Hembrough, M. (2007). *Improving social skill in young children an action research project*. Master's thesis, Saint Xavier University.

- Camisasca, E., Miragoli, S., Di Blasio, P., & Feinberg, M. (2019). Co-parenting mediates the influence of marital satisfaction on child adjustment: the conditional indirect effect by parental empathy. *Journal of Child and Family Studies*, 28 (2), 519 -530
- Campbell, P., & Siperstein, G. N. (1994). *Improving social competence: A resource for elementary school teachers*. Boston: Allyn and Bacon.
- Chan, K. K. S., Lam, C. B., Law, N. C. W., & Cheung, R. Y. M. (2018). From child autistic symptoms to parental affective symptoms: A family process model. *Research in Developmental Disabilities*, 75, 22-31.
- Chan, K. K. S., Lam, C. B., Law, N. C. W., & Cheung, R. Y. M. (2018). From child autistic symptoms to parental affective symptoms: A family process model. *Research in Developmental Disabilities*, 75, 22-31.
- Christian, D. D., Perryman, K. L., & Portrie-Bethke, T. L. (2017). Improving the parent-adolescent relationship with adventure-based counseling: An Adlerian perspective. *Journal of Child and Adolescent Counseling*, 3(1), 44-58.
- Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2002). Effects of marital conflict on children: Recent advances and emerging themes in process oriented research. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 43, 31-63.
- Dadfarinia, S., Hadianfard, H., Rahimi, C., & Aflakseir, A. (2020). Predicting depression based on cognitive emotion regulation strategies. *Toloo-e-Behdasht*, 19(1), 32-47. [Persian]
- Davies, P., & Cummings, E. (1994). Marital conflict and child adjustment: An emotional security hypothesis. *Psychological Bulletin*, 116, 387-411.
- Ebrahimi, L., & Mohammadloo, M. (2021). Systematic review of the underlying factors of consensual divorce of couples in the last decade in Iran (2009-2020). *Quarterly Journal of Women and Society*, 12(46), 16-29. [Persian]
- Eskandari Sabzi, S., & Reisi, F. T. D. (2016). Prediction of conduct disorder according to parenting styles and family conflict among female students. *Achievements of Clinical Psychology*, 2(1), 51-68. [Persian]
- Farokhi, H., & Mostafanour, V. (2016). Investigation into the Relationship between Attributional Styles with Social Phobia and Social Adjustment. *Quarterly Journal of Health Breeze*, 4(4), 44-52. [Persian]
- Frotan, M. J. (2020). *The role and position of the mother in raising children*. <https://subhekabul.com>. [Persian]
- Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Cognitive Emotion Regulation Questionnaire Development of a short 18-item version (CERQ-short). *Personality and Individual Differences*, 41, 1045-1053.
- Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. *Personality and Individual Differences*, 40(8), 1659-1669.

- Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. (2002). *Manual for the use of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire: A questionnaire measuring cognitive coping strategies*. Leiderdorp, The Netherlands: DATEC.
- Ghobadi, S., & Goodarzi, M. (2022). The effectiveness of EIS couple therapy training on marital conflict and marital boredom in infertile women during quarantine due to COVID-19. *Journal of Applied Family Therapy*, 2(9), 74-93. [Persian]
- Gowdini, R., Pourmohamdreza-Tairishi, M., Tahmasebi, S., & Biqlarian, A. (2017). Effect of emotion management training to mothers on the behavioral problems of offspring: Parents' view. *Rehabilitation*, 18(1), 13-24. [Persian]
- Gross, J. J. (1998). The emerging field of emotion regulation: An integrative review. *Review of General Psychology*, 2(3), 271-299.
- Hasani, J. (2010). The psychometric properties of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ). *Journal of Clinical Psychology*, 2(3), 73-84. [Persian]
- Hezarian, S., Bakhtiarnour, S., Pasha, R., Asgari, P., & Hafezi, F. (2021). The relationship between family function and drug attitude by mediating role of social adjustment among students. *Etiadpajohi*, 15(59), 139-156. [Persian]
- Hosokawa, R., & Katsura, T. (2019). Exposure to marital conflict: Gender differences in internalizing and externalizing problems among children. *PLoS ONE*, 14(9), Article e0222021.
- Karimifar, M., Dinvarvar, E., Rouholamini, M. S., & Besharat, M. A. (2017). The effectiveness of teaching emotion regulation based on gross model on the amount of social and emotional adaptation among young men. *Journal of Advances in Cognitive Sciences*, 19(1), 25-37. [Persian]
- Khazaei, M. (2007). *Investigating the relationship between communication patterns and marital conflicts of Tehran University students*. Master Thesis in Counseling, Khatam University, Tehran. [Persian]
- Kosari, F., & Esmaeilinasab, M. (2018). The relation between Mother's cognitive emotion regulation style and their reactions to children's negative emotions. *Journal of Family Research*, 14(2), 237-251. [Persian]
- Kreicic, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30(3), 607-610.
- Lewis, D. M., Al-Shawaf, L., Conroy-Beam, D., Asao, K., & Buss, D. M. (2017). Evolutionary psychology: A how-to guide. *American Psychologist*, 72(4), 353-373.
- Mami, S., & Amirian, K. (2017). The effect of creative drama on students' social adjustment, moral judgment and creativity. *Journal of Instruction and Evaluation*, 9(36), 75-92. [Persian]

- Mirzaie Varzaneh, M., & Yazdkhasti, F., Ghamarani, A., Abbasi Jondani, J. (2021). Effectiveness of acceptance and commitment therapy on reducing perceived stress and enhancing social adjustment in youths with visual impairment. *Journal of Rehabilitation Medicine*, 9(4), 71-81. [Persian]
- Mirzania, Z., Niknam Sharbiani, E., & Hayati, M. (2018). The effectiveness of reality therapy based on selection theory on increasing marital satisfaction and sexual self-esteem and reducing marital conflict in women seeking divorce. *The Journal of New Advances in Behavioral Sciences*, 3(21), 61-81. [Persian]
- Mohammadi, A., Asgarkhani, A., & Mirabbasi, S. (2020). The effect of mother tongue education on the exhilaration and social adjustment of bilingual students. *Research in Teaching*, 8(1), 260-239. [Persian]
- Namdarpour, F., Fatehizade, M., Bahrami, F., & Mohammadi Fesharaki, R. (2018). Mental rumination consequences in women with marital conflicts: A qualitative study. *Counseling Research and Development*, 17(67), 122-153. [Persian]
- Narimani, A., & Hobbi, M. (2019). Effectiveness of acceptance and commitment training on marital conflicts in married women. *The Women and Families Cultural-Educational*, 13(46), 155-174. [Persian]
- Nemati Vanashi, R., & Nemati Vanashi, R. (2018). Investigating the Relationship between Dual Adaptation (Parents) and Parents' Parenting Styles in Social and Emotional Adjustment of High School Students. *The Journal of New Advances in Behavioral Sciences*, 3(23), 22-37. [Persian]
- Norouzi, V., & Majreh, AS. (2018). The role of parental psychological well-being and parent-child interactions in explaining social adjustment in adolescent students. *Contemporary Psychology*, 13(2), 140-148. [Persian]
- Papna.Vassiliki. S. (2013). *Relationships between Parents' marital status and the psychological wellbeing of adolescents in Greece*. <http://dx.doi.org/10.4172/2161-0487.1000110>, Vol3, No 2.
- Philbrook, L. E., Erath, S. A., Hinnant, J. B., & El-Sheikh, M. (2018). Marital conflict and trajectories of adolescent adjustment: The role of autonomic nervous system coordination. *Developmental Psychology*, 54(9), 1687-1696.
- Qolipour T., & Sadeghi, J. (2022). *Investigating the relationship between cognitive emotion regulation and parental self-control with child anxiety*. 9th National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Monday, September 6, 1400, Center for Strategies for Achieving Sustainable Development, Tehran. [Persian]
- Roitvandghiasvand, P., Esmaeilinasab, M., & Ashrafi, E. (2020). Predicting children's anxiety based on parents' reaction to their negative emotions with mediating role of emotion regulation. *Thoughts and Behavior in Clinical Psychology*, 15(57), 27-35. [Persian]
- Roshani, S., Bastani, S., & Gharavi Naeini, N. (2020). The Consequences of Disruption in Women's Sense of Tranquility in Marital Life. *The Islamic*

- Journal of Women and the Family*, 8(2), 47-72. [Persian]
- Safri, T., & Vajpeyi, L. (2016). Social Adjustment and Development in Children: The Key Role of Parents. *International Journal for Innovative in Multidisciplinary Filed*, 2(6), 127-133.
- Sarukhani, B., & Ghasemi A. (2013). A study of the sociological society of factors affecting the increase of agreed divorce in Kermanshah. *Women's Cultural and Educational Quarterly*, 7(21), 34-47. [Persian]
- Shih, E. W., Quiñones-Camacho, L. E., & Davis, E. L. (2018). Parent emotion regulation socializes children's adaptive physiological regulation. *Developmental Psychobiology*, 60(5), 615-623.
- Sobhaninejad, M., & Zeraati, M. (2016). The impact of social skills training on growth of individual compatibility in female students of Mazandaran University of Medical Sciences. *Teaching and Learning Research*, 12(2), 163-174. [Persian]
- Van Dijk, R., Van Der Valk, I. E., Dekovic, M., & Branje, S. (2020). A meta-analysis on interparental conflict, parenting, and child adjustment in divorced families: Examining mediation using meta-analytic structural equation models. *Clinical Psychology Review*, 79, 101861.
- Zarezadeh Mehrizi, F. (2014). *The relationship between personality traits, styles and attachment dimensions with cognitive emotion regulation strategies*. M.Sc. Thesis, Educational Psychology, Yazd University. [Persian]
- Zemp, M., Johnson, M. D., & Bodenmann, G. (2018). Within-family processes: Interparental and coparenting conflict and child adjustment. *Journal of Family Psychology*, 32(3), 299-309.
- Zeraatkar, M., Saravani, S., Zeinali Pour, M., & Arbabi, F. (2022). Comparison of social acceptability, conduct disorders, and difficulty in emotion regulation between children of divorce, children with parental death, and normal children in Oom in 2020: a descriptive study. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, 20(10), 1099-1116. [Persian]
- Zimmer-Gemback, J., Rudolph, J., Kerin, J., & Bohadana-Brown, G. (2021). Parent emotional regulation: A meta-analytic review of its association with parenting and child adjustment. *International Journal of Behavioral Development*, 42(1), 63-82.

